

## لهجه زرتشتیان ایران

در دو شماره اخیر مجله پشوتن بحث بسیار مهم و جالبی در باره «لهجه زرتشتیان مقیم ایران» رفته است که برای اهل فن یعنی کسانی که در زبانهای ایرانی کاری کنند اهمیت خاص دارد. این زبان یا لهجه که زرتشتیان آنرا بخطا زبان دری میگویند و قطعا یکی از لهجههای زبان پهلوی مرکز ایرانست بزبان یزد و زبان نایین بیش از زبانهای دیگر شباهت دارد و بیواسطه که در همین نواحی فراهم شده و این خود می رساند که زرتشتیان ایران هم از زمان قدیم در این ناحیه بوده اند و از آنجا بسوی جنوب یا شمال رفته اند و بدین گونه مطالعه درین زبان نه تنها از نظر لغت و زبان شناسی اهمیت دارد بلکه از نظر تاریخ نیز جالب توجه است.

نفوذ تمدن اروپایی و باز شدن پای شهر نشینان در آبادیهای دور دست و فراهم شدن دبستانها و دبیرستانها درین نواحی و رفتن جوانان بخدمت نظام و وظیفه و رفت و آمد شان با شهرها خطری برای این گونه زبانهاست و بیم می رود که روزی از میان برود چنانکه در زمان ما روز بروز از شماره کسانی که بدین زبانهای محلی و لهجهها سخن می رانند کم می شود و اگر ما فوراً وسیله تحقیق و ضبط لغات و قواعد صرف و نحوی این زبانها را فراهم نیاوریم یکباره از میان خواهد رفت و زبان جبران ناپذیری بدانشمندان و زبان شناسان خواهد رسید. اینست که اقدام آقای کیخسرو کشاورز و انتشار این دو مقاله در مجله پشوتن که امیدوارم دنباله داشته باشد و بحث خود را کامل بکنند کار بسیار پسندیده ای بود و فواید گوناگون در بر داشت.

در جهان امروز و با وسایل امروزین بنویشتن این مقالات نباید بسنده کرد و بلکه باید صفحه های گراموفون و نوار های رادیو از سخنان کسانی که این گونه زبانها را هنوز خوب و درست بیان می کنند پر کرد و برای آیندگان باکمال دقت و دلسوزی نگاه داشت تا اگر روزی خدای نا کرده این زبان از میان برود مردم از شنیدن آن محروم نباشند و این کار اهمیت خاصی دارد و از فرایض دستگاه فرهنگ ماست.

خاور شناسان اروپایی از نخستین روزهایی که بایران راه پیدا کرده اند در ضمن مطالعات گوناگون در زبانهای مختلف ایرانی درین زبان زرتشتیان ایران هم تحقیقات کرده و تا جایی که من آگاهی دارم از سال ۱۸۷۳ که ریچک خاور شناس انگلیسی نخستین مقاله را درین زمینه نوشته تاکنون یازده مقاله مختلف بقلم او بوستی و هوتوم شیدار و کلیمان



اوار و ادوارد براون و کری و لوریمبر و ولادیمیر ایوانو در مجلات مختلف اروپا انتشار یافته است و برای اینکه اهمیت این موضوع کاملاً روشن شود و آقای کینخرو کشاورز در دنبال کردن این بحث دلیر تر شوند فهرست آن مقالات را درین جای آورم :

1) Rehatsek - Deri phrases and dialogues, India Antiquary 2, 1833, pp. 331-335.

2) Ferdinand Justi - Uber die Mundart von Yezd, ZDMG., 35, pp. 327-414.

3) Houtum-Schindler - Die Parsen in Persien, ihre Sprache und einige ihrer Crebrauche, ZDMG, 36, 1882, pp. 54-88.

4) Clément Huart - Notes sur le prétendu déri des Parsis de Yezd, J. A. 8e série XI, 2, 1888, pp. 295-302.

5) Edward G. Browne - A specimen of the Gabri dialect of Persia, JRAS, 1897, pp. 103-110.

6) Query - Le dialecte Persan de Nâyin, Mémoire de la Société de Linguistique de Paris, 9, 1896, pp. 110-124.

7) D. L. R. Lorimer - Notes on the gabri dialect of Modern Persia, JRAS, 1916, pp. 423 sqq.

8) D. L. R. Lorimer - Is there A gabri dialect of Modern Persia, JRAS, 1928, pp. 287 - sqq.

9) W. Ivanow - Late Prof. E. G. Brown's specimens of the Gabri Dialect, JRAS, 1932, pp. 403-405.

10) W. Ivanow - Petermans - Justi Gabri Uebersetzungen, Islamica, Leipzig 1932, pp. 573-580.

11) W. Ivanow - The Gabri Dialect spoken by the Zoroastrians of Persia, Rivista degli studi Orientali, Roma Vol. XVI 1935 pp. 31-97, Vol. XVII, 1937, pp. 1-39, Vol. XVIII, 1939, pp. 1-58.